

یادداشت

امکان وقوع اتفاق بزرگ در انتخابات آمریکا

سید محمدکاظم سجادیور

کنار کشیدن بایدن از نامزدی حزب دمکرات و جایگزینی او با کامالا هریس، معاونت ریاست جمهوری آمریکا، بی‌تردید نقطه عطفی در تحولات مربوط به انتخابات آمریکاست. دو گانه بایدن – ترامپ که مطلوب جمهوریخواهان به نظر می‌رسد، دگرگون شد.

جمهوری خواهان، بر ناتوانی جسمانی و مغزی بایدن، به عنوان نقاط ضعف جدی محاسبه کرده بودند و او را به عنوان پیرترین نامزد ریاست جمهوری آمریکا، با ۸۳ سال سن، مورد حمله قرار می‌دادند و نه فقط امیدوار بودند،بلکه به پیروزی خود اطمینان داشتند.

اما فشار عظیم درون حزبی دمکرات‌ها، به نتیجه رسید و بایدن جای خود را به هریس داد و حال، ترامپ، پیرترین نامزد ریاست جمهوری تاریخ معاصر آمریکا شده است. در مدت کوتاهی که از اعلام نامزدی هریس گذشت، انرژی قابل ملاحظه‌ای در اردوگاه دمکرات‌ها بوجود آمده است.

حدود ۱۲۰ میلیون دلار از کمک‌های مردمی به ستاد هریس واریز شده و دمکرات‌ها امیدوار شده‌اند که کسری چند ماه گذشته را در مقابله با ترامپ جبران کنند. با کوتاه‌تر شدن زمان برگزاری انتخابات و روشن شدن سرنوشت نامزد حزب دمکرات، سوآلی مهم قابل طرح است و آن اینکه چگونه می‌توان، در یک چشم‌انداز کلان، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل کرد؟ در پاسخ سه موضوع و مفهوم به‌هم پیوسته می‌توانند در ترسیم تصویری راهبردی از انتخابات، به ما در فهم کمک کنند: «فضای انتخابات»، «فراق درگیر در انتخابات» و «فرآیند انتخابات».

انتخابات آمریکا، در فضایی بسیار حساس از بعد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد. در بعد داخلی، جامعه آمریکا، فضای دو قطبی شده را در بر گرفته است در این دو قطبی شدن، موضوعاتی چون اقتصاد، مهاجرت، مذهب، نژاد، ارزش‌های اخلاقی و جایگاه آمریکا در جهان جلب توجه می‌کنند. در واقع در سرزمین واحد آمریکا، با دو آمریکا روبرو هستیم.

آمریکای اول، آمریکای ترامپ و جمهوریخواهان است که آمریکایی نگران، ترسیده و بسخته است. آمریکای ترامپ، در واقع آمریکای سفید پوستان، پروتستان‌ها و انگلوساکسون‌ها است که در آن نژاد سفید و اروپایی، به صراحت یا به صورت ناخوشه در موقعیت برتر قرار دارد. این بدان معنی نیست که ترامپ، در بین سیاهپوستان طرفدار ندارد، این بدان معنی است که خواشش ترامپ از آمریکای خوایش، کاملاً تک فرهنگی است. آمریکای دوم، آمریکای رنگین گمانی است که در آن نه فقط اقشار فرا دست، بلکه فرودست‌ن نیز باید جایگاه داشته باشند، فرودستانی که به خاطر رنگ پوست و یا گرایش‌های گوناگون مذهبی و اجتماعی، و به لحاظ ثروت و قدرت، در موقعیت نامناسبی بسر می‌برند. اما این دو تصویر آمریکا، تصویری ساده و سیاه و سفیدی نیست.

در صحنه عملی، واقعیت‌ها، برداشتن‌ها از واقعیت‌ها، ایده‌ها برای مدیریت تنش‌ها و برقراری تعادل و توازن اجتماعی، آنچنان پیچیده و خالص شده‌اند که خطر افراط‌گرایی در دو سوی طیف سیاسی را تبدیل به دل مغشویی و نگرانی جدی کرده است. آمریکا نه فقط از نظر فکری، سیاسی، هنجاری و ارزشی در دو قطبی شده، بلکه بی‌تردیدی با افراط‌گرایی چپ و راست دست و پنجه نرم می‌کند.

راست افراطی در پی پاسکاری آمریکا از لیبرال‌ها و چپ‌ها می‌باشد و چپ افراطی در پی تحلیل ارزش‌های سوپر لیبرال بر جامعه آمریکا و به‌هم ریختن مرزهای سنتی. این شرایط فضای داخلی را نه فقط پیچیده، بلکه شکننده کرده است.در صحنه بین‌المللی نیز فضا راحت نیست، دو جنگ متفاوت اوکراین و غزه، روابط چین و آمریکا، شرایط آشفته اروپا، برآمدن راست افراطی در گوشه و کنار جهان، نابرابری‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی، نظامی‌تر شدن و از همه سخت‌تر، هسته‌ای‌تر شدن جهان مخصوصاً رقابت هسته‌ای بین آمریکا و روسیه و فقدان نهادهای و رهبرانی که بتوانند بحران‌ها را مدیریت کنند شرایط را سبخت و غامض کرده است و در این میان تحقق رهبری آمریکا در جهان و منطقه شذنی نیست، بلکه برچالش شدن و امکان افزایش تنش‌ها، شکاف‌ها و گسسل‌های بین‌المللی بین آمریکا و دیگران وجود دارد. در یک کلام فضای داخلی و بین‌المللی آمریکا سخت و پرمسأله است. حال آمریکا در چنین فضایی با تحلیاتی روبروست که زمام خود را باید بر یکی از دو فرد بسپارد: ترامپ و یا هریس. این دو فرد، نه فقط دو انسان متفاوت، بلکه از دو نسل متفاوت، از دو جنسیت متفاوت، از دو سابقه و تاریخ متفاوت خانوادگی، از دو نقطه متفاوت آمریکا، از دو دیدگاه مختلف و از دو پایگاه اجتماعی غیر هم‌سو می‌باشند. این تفاوت‌ها جدی است و خود باعث پویایی و تحرک اجتماعی و هیجان‌های گوناگون انتخاباتی می‌باشند. باید گفت که انتخابات، صرفاً در مورد انتخابات عقلانی نیست، انتخابات و احساسات پوزی ناگسستگی دارند. بی‌تردید انتخابات آمریکا در ماه‌هایی که به پیش است، تولید هیجان خاصی به منظور کسب آراء را در پی خواهد داشت.

در این میان دو گانه هریس – ترامپ باتباب دو خوانش و دو هیجان مختلف در جامعه آمریکاست. هریس مهاجرزاده، سیاهپوست و با ترکیبی خانوادگی از جامائیکا و هند، نسل جدید و جوان آمریکا را غریبندگی می‌کند که با ترامپ که ریشه اروپایی دارد متفاوت است. هریس، دادستان ایالت بسیار مهم کالیفرنیا، سناتور این ایالت و معاون رئیس جمهور بوده و می‌باشد. شغل دادستانی کل کالیفرنیا و پیشینه قضایی او و نگاه او به ترامپ به عنوان یک شار لالان و متهم و خلافکار در خور توجه است.

استراتژیک

دلخوری مشترک تهران و آنکارا از باکو

فواد شهبازوف، تحلیل‌گر سیاسی مسائل امنیت منطقه‌ای در قفقاز جنوبی و پژوهشگر هممان در مدرسه امنیت ملی دانیل مورگان Daniel Morgan Security and School of National Security، می‌گوید: «دی سی می‌نویسد: پیامد آشفته‌گی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه که از جنگ کنونی اسرائیل ا حماس سرچشمه می‌گیرد، بسیار فراتر از منطقه است، اگرچه بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی دست کم در آغاز از اسرائیل حمایت کردند، اما برخی دیگر تلاش کرده‌اند بی‌طرف بمانند، در حالی که کشورهای می‌تند ایران، روسیه، ترکیه، ایرلند و اسپانیا اسرائیل را به خاطر استفاده بی‌حد از زور در غزه و بی‌توجهی به جان غیرنظامیان سرزنش کرده‌اند. دولت محافظه‌کار و اسلام‌گرای ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان، لحن تندى علیه اسرائیل داشته و به حمایت از حماس، در دفاع از آرمان فلسطین موضع گرفته است. آنکارا، متحد فشار جمعیت‌های اسلام‌گرا، گروه‌های محافظه‌کار و چپ‌گرایان ترنید، در ماه مه ۲۰۲۴ روابط تجاری با اسرائیل را قطع کرد و روند رو به افزایش روابط اقتصادی دوجانبه را وارونه کرد. ترکیه پیش‌بینی می‌کرد که سایر کشورهای منطقه با اکثریت مسلمان نیز از این روند پیروی کنند، اما تاکنون هیچ یک چنین کرده اند.

به نظر می‌رسد که بویژه یکی از متحدان و شرکای اصلی ترکیه، جمهوری آذربایجان، برای توقف مشارکت اقتصادی، سیاسی و نظامی عمیق خود با اسرائیل مردد باشد. آذربایجان در دو دهه گذشته با وجود حفظ روابط با ترکیه و ایران، مشارکت‌های نیرومندی با اسرائیل در زمینه‌های انرژی و دفاعی ایجاد کرده است. در سال ۲۰۲۰، آذربایجان به تبلیغ آشکار مشارکت امنیتی خود با اسرائیل شروع کرد که با انتقادات شدید ترکیه و ایران روبه رو شد. اما یک سال بعد، آذربایجان با مهارت روابط بین ترکیه و اسرائیل را بازسازی کرد و به یک دهه اختلاف پس از جنگ قبلی اسرائیل و حماس و حمله اسرائیل به کاروان کمک‌های ترکیه به غزه در سال ۲۰۱۰ بازگشت. آذربایجان همچنان تلاش می‌کند تا یک توازن را حفظ کند. وزارت امور خارجه آذربایجان در اکتبر گذشته با صدور بیانیه‌ای رسمی «کشتار غیرنظامیان در غزه» را محکوم کرد تا تصویر خود در جهان اسلام را تخریب نکند و ترکیه را از خود نرنجاند. در عین حال، آذربایجان همچنان به تقویت شرکات خود با اسرائیل ادامه داده است. طبق آمار رسمی، بین ژانویه تا آوریل ۲۰۲۴، آذربایجان یک میلیون و ۲۱ هزار و ۹۱۷ تن نفت خام به اسرائیل صادر کرده که این میزان نسبت به سال ۲۰۲۳ حدود ۲۸ درصد افزایش یافته است. در واقع، آذربایجان یک تأمین‌کننده قابل اعتماد برای پالایشگاه‌های اسرائیل در حیفا و اشدود بوده است.

پس از این، به رغم لغات‌های تند آنکارا علیه اسرائیل، ترکیه مشتاق به حفظ جریان انتقال نفت بود زیرا از درآمد قابل توجهی از خطوط لوله انتقال مورد استفاده آذربایجان و نیز حمل و نقل نفت به دست می‌آورد. ترکیه با توجه به شرکات راهبردی اش با باکو و روابط اقتصادی عمیق دو طرف، در هیچ می‌داد نیست به امید جریان نفت آذربایجان به اسرائیل بی‌تفاوت باشد. با این حال، بسیاری از گروه‌ها و چهره‌های اسلام‌گرای محافظه‌کار، از جمله جوانان طرفدار فلسطین در ترکیه، به شدت از شرکات آذربایجان با اسرائیل انتقاد کرده‌اند.

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تاکید کرد

واشنگتن دنبال حفظ دیپلماسی با تهران



نداده است» پاتل ادامه داد: ما همچنین اعلام کرده ایم که درحال حاضر بسیار از مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران فاصله

این مقام وزارت خارجه دولت جو بایدن

صریح کرد: «رویکرد ما تغییر نکرده است. ما دیپلماسی را بهترین راه برای دستیابی به یک راه‌حل موثر و پایدار برای برنامه هسته‌ای ایران می‌دانیم. هیچ چیزی در مورد این انتخابات، ایمن رویکرد را تغییر

یک رویکرد جدید اتخاذ کنند، می‌تواند اقدامات فوری مانند همکاری کامل با آژانس انجام دهد.

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان کرد: دیپلماسی با ایران در مواردی نتیجه مثبت داشته است. سال گذشته دیپلماسی آمریکا و ایران منجر به آزادی شهروندان آمریکا زندانی در ایران

شد. او در پاسخ به سوال خبرنگاری که مدعی تهدید ایران در تنش‌ها و درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب الله شد و عواقب آنرا گفت: اول باید بگویم که اسرائیل حق دفاع از خود نه تنها در مقابل تروریسم بلکه بازیگران مخرب مانند حکومت ایران را دارد. بدون شک آمریکا از نزدیک این شرایط را دنبال خواهد کرد.



ارسال ۲ پیام آمریکا به ایران از کانال بغداد

خبرگزاری بغداد **الیوم** **روز سه شنبه اعلام کرد که آمریکا از خطر وقوع جنگ فراگیر و علنی میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی در سایه زرادخانه تسلیحاتی بزرگ حزب الله و نیز حضور گروه‌های محور مقاومت در عراق، سوریه، یمن و حمایت ایران آگاه و نگران است.** این رسانه عراقی، افزود: آمریکا طی ۴۸ ساعت گذشته از طریق مباحثی‌های عراقی دو پیام به مقامات جمهوری اسلامی ایران ارسال کرده است. به نوشته بغداد الیوم، مضمون پیام‌های واشنگتن این است که آمریکا خواهان جنگ فراگیر و آشکار در لبنان نیست و به دنبال آرامسازی و کاهش تنش‌هاست.

براساس این گزارش، واشنگتن در این پیام‌ها همچنین بر لزوم پرهیز از گسترش دامنه جنگ در منطقه تاکید کرده است چرا که واشگتن بر تأمین امنیت تل‌آویو متعهد است و این به معنای ورود آمریکا به منازعه در صورت بروز جنگی علنی و فراگیر است. در حالی‌که حزب الله هرگونه تسخیر منطقه محاصره شده در بلندی‌های اشغالی جولان را تکذیب کرده است، مقامات ارشد نظامی رژیم صهیونیستی در تلاش برای سوء استفاده از آن برای توجیه حملات به لبنان هستند و بر قطعی بودن پاسخ به آن تاکید می‌کنند. «هترزی‌هایلی» رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی در این باره مدعی شده بود: پاسخ ما قوی و در داخل خاک لبنان خواهد بود. در صورت لزوم با تمام قدرت عمل خواهیم کرد و همه ابزارهای لازم را برای بازگرداندن ساکنان شمال (شهرک‌های مرز لبنان) به خانه‌هایشان به کار خواهیم گرفت.

تکذیب مداخله ایران در انتخابات الکترال

از سوی حزب دموکرات به طور رسمی به عنوان نامزد این حزب در کارزار انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا معرفی نشده است دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا و نامزد حزب جمهوریخواه برای انتخابات ۲۰۲۴ نیز ۱۳ جولای ۲۰۲۴ برابر با ۲۳ تیرماه ۱۴۰۳ هنگام سخنرانی انتخاباتی او در جمع هوادارش در باتلر پنسیلوانیا مورد سوء قصد قرار گرفت و مجروح شد.ترامپ از این تیراندازی جان سالم به در برد و فقط گوش راست او آسیب دید.

نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد در پی برخی گزارش‌های ادعایی پیرامون نقش ایران در ترور دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا اعلام کرد: این اتهامات بی اساس و مغرضانه است.

به گزارش ایرنا، نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک روز سه شنبه به وقت محلی در جریان نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد در نیویورک روز سه شنبه به وقت محلی در پاسخ به گزارش‌های ادعایی پیرامون نقش ایران در ترور ترامپ تصریح کرد: «این اتهامات بی‌اساس و مغرضانه است. از آن نگاه محو جمهوری اسلامی ایران، ترامپ یک مجرم جنایتکار است که بخاطر صدور دستور ترور سردار (قاسم) سلیمانی باید در دادگاه محاکمه و مجازات شود؛ ایران مسیر حقوقی را برای پاسخگویی کردن او انتخاب کرد.

«شبکه تلویزیونی سی ان ان آمریکا جمهوری اسلامی ایران، ترامپ یک مجرم جنایتکار است که بخاطر صدور دستور ترور سردار (قاسم) سلیمانی باید در دادگاه محاکمه و مجازات شود؛ ایران مسیر حقوقی را برای پاسخگویی کردن او انتخاب کرد. این اتهامات بی‌اساس و مغرضانه است. از آن نگاه محو جمهوری اسلامی ایران، ترامپ یک مجرم جنایتکار است که بخاطر صدور دستور ترور سردار (قاسم) سلیمانی باید در دادگاه محاکمه و مجازات شود؛ ایران مسیر حقوقی را برای پاسخگویی کردن او انتخاب کرد.

توافق ترکیه با سوریه پیش از دیدار اردوغان و اسد



سوم، تضمین الحاق مخالفان میانه‌رو به دولت سوریه. چهارم، از بیسن بردن حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) و ممانعت از هرگونه حملات این سازمان‌ علیه ترکیه از خاک سوریه و در صورتی که این مسئله کافی نباشد ارتش ترکیه حق پیگرد این افراد مسلح را تا عمق ۳۰ کیلومتری خاک سوریه خواهد داشت. بر اساس گزارش روزنامه مذکور در صورت

مردم سالاری

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تاکید کرد

واشنگتن دنبال حفظ دیپلماسی با تهران

هیدروپولیتیک

چگونگی عملکرد شبکه‌های حمایتی در آسیای مرکزی

«مورگان لیو» دانشیار زبان‌ها و فرهنگ‌های خاور نزدیک و جنوب آسیا در دانشگاه اوهایو می‌نویسد: از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، ناهماهنگی عظیمی در آنچه که دولت‌های مستعبد در منطقه انجام می‌دهند و یا نمی‌دهند، وجود دارد. در حالی که رهبران دولت‌ها در ایجاد سیستم‌های نظارتی گسترده و مؤثر برای تدلوم حکومت خود موفق شده‌اند، آنها اغلب برای ارائه خدمات اجتماعی منظم و یکنواخت به همه شهروندان از جمله برق، گرمایش و مراقبت‌های بهداشتی و همچنین ایجاد فرصت‌های اقتصادی کافی برای جوانان و جمعیت در حال رشد با چالش مواجه بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌های نادیده گرفته شده چشم‌انداز سیاسی آسیای مرکزی از اوایل دهه ۲۰۰۰، رواج کارگزاران قدرت دولتی را در مقیاس‌های کوچک انجام می‌دهند و دسترسی شهروندان را به مشاغل، کالاها، خدمات، حقوق بانزاشتستی، کمک‌هسا، آموزش و پرورش، سرگرمی و عبادت مذهبی فراهم می‌کنند. این حامیان کسب‌وکارهایی را ایجاد می‌کنند تا ثروت تولید کنند، مزایایی را برای حوزه‌های انتخابیه‌شان به ارمانن بیاورند و حلقه وفاداران خود را ایجاد کنند و از این طریق ضرورت حضور خود را تضمین کنند، و حمایت سیاسی بابت این تلاش‌ها را از مقامات دولتی به دست بیاورند.

شواهد حاکی از آن است که دلانان قدرت محلی، که خارج از چارچوب‌های رسمی دولتی عمل می‌کنند، نقش مهمی در جلوگیری از جوشش ناراضحتی اجتماعی ایفا می‌کنند. سیستم‌هایی که آنها ایجاد می‌کنند اغلب فاسد و ناکارآمد هستند، اما با این وجود شکاف‌های خدمات دولتی را پر می‌کنند. این نظر سیاسی، کارگزاران قدرت ممکن است مانند ماده تاریک در حفظ نظم به طور نامرئی برای ناظران خارجی عمل کنند. اما همانطور که اخترشناسان در رصد مستقیم ماده تاریک و عملکرد آن مشکل دارند، تریبات حمایتی غیررسمی در آسیای مرکزی چندان مستند یا مطالعه نشده است.

تحقیقات اولیه، از جمله مصاحبه با شهروندان آسیای مرکزی، نشان می‌دهد که شبکه‌های حمایتی غیردولتی در سراسر منطقه فعالیت می‌کنند، اگرچه تعیین مکان‌ها و حامیان خاص دشوار است. کارگزاران قدرت تمایل دارند بی سر و صدا کار کنند تا مبادا توجه ناچا از سوی مقامات یا قیقا در عملیات آنها دخالت کند.

ناظران محلی معمولاً دانش نادرستی از تریباتی دارند که شخصاً بر آنها تأثیر نمی‌گذارد. همچنین تشخیص اینکه مقامات دولتی در همه سطوح چگونه به این شبکه‌های حمایتی نگاه می‌کنند دشوار است. آیا آنها می‌خواهند آنها را سرکوب کنند زیرا دولت را ناکافی جلوه می‌دهند؟ یا اینکه دلانان قدرت محلی موفق می‌شوند مقامات را با هم همکاری داده و متقاعد کنند که فعالیت‌های آنها تهدیدی برای دولت نیست و حتی کار مقامات را آسان می‌کند؟ سوال گسترده دیگری که نیاز به شفافیت دارد این است که آیا نیازهای جامع محلی توسط مقامات دولتی، کارگزاران قدرت، در دو برآورده می‌کند؟ یا هیچ‌کدام؟ اگر شهروندان با «خلأ خدمات» مواجه هستند، چه راه‌حلی دارند؟ تعیین پاسخ به این سوالات و سایر سوالات کلیدی در مورد کارگزاران قدرت به زمان و منابع برای گزارش تحقیقی و تحقیقات میدانی نیاز دارد.

چند نمونه از کارگزاران قدرت با نفوذ از اوایل دهه ۲۰۰۰ وجود دارد که نشان می‌دهد چرا نباید چنین بازیگرانی نادیده گرفته شوند. یکی از آنها قدریرجان باتیروف، حامی بزرگ ازبک در جلال آباد، قرقیزستان است که در ایجاد زیرساخت‌های اساسی در آن شهر با اکثریت ازبک قبل از خشونت‌های بین قومی در سال ۲۰۱۰ که منجر به فروپاشی سریع خاندان او شد، نقش اساسی داشت.

باتیروف مجموعه وسیعی از مؤسسات را ساخت و رهبری کرد که شامل دانشگاه، روزنامه، انتشارات، مدرسه، درمانگاه پزشکی، مراکز فرهنگی، ماه‌ها، بازارها، مسجد و تئاتر بود. دستاوردهای او در چشم‌انداز شهری جلال‌آباد در دهه ۲۰۰۰ به ویژه با توجه به تاریخ آشفته روابط قرقیزستان و ازبکستان در جنوب قرقیزستان چشمگیر به نظر می‌رسید. او فعالیت‌های اقتصادی و حرفه‌ای پر جنب و جوشی را امکان پذیر کرد زیرا با کورماتیک باقی اف، رئیس جمهور وقت، قرقیزستانی اهل جلال‌آباد رابطه شخصی برقرار کرد. باتیروف همچنین با ایجاد تصویری عمومی از یک شهروند قرقیزستانی وفادار که برای منافع عمومی جمهوری کار می‌کند، پوشش سیاسی برای خود ایجاد کرد. اما پس از درگیری‌های سال ۲۰۱۰، باتیروف احساس کرد مجبور به فرار از کشور و درخواست پناهندگی سیاسی در سوئد است. او تا زمان مرگ در سال ۲۰۱۸ از تبعید خودخواهی باقی ماند.

مشهورترین و بحث برانگیزترین مورد دلالی قدرت مربوط به اکرم یولداشف است که یک شبکه اسلام گرا به نام اکرومیا را در داخل و اطراف شهر اندیجان در فرانه ازبکستان تأسیس و رهبری کرد. این گروه نقش اصلی را در تسریع سرکوب خشونت آمیز دولت در سال ۲۰۰۵ ایفا کرد که از آن به عنوان قتل عام اندیجان یاد می‌شود. با کنار گذاشتن سوالات در مورد آنچه که اکرومیا ممکن است قصد انجام آن را داشته باشد که خطری محسوب برای دولت اسلام رقیب رهبر وقت ازبکستان محسوب می‌شود، یک جنبه از فعالیت‌های این گروه مورد توجه کافی قرار نگرفته است: یولداشف بخشی از جامعه بازارگان مندینی بود که اعتبار لازم برای مشاغل، معارف اسلامی و کمک

در ازبکستان شهر را تأمین می‌کرد. فعالیت‌های اکرومیا از دهه ۲۰۰۰ به بعد شبیه شبکه‌های تجاری اسلامی مشابه در سراسر آسیای مرکزی بود که منافع مادی برای جوامع محلی را فراهم می‌کرد. محبوبیت این گروه به حدی بود که انبوهی از اندیجان‌ها ماماها قبل از سرکوب سال ۲۰۰۵ به نمایندگی از آن در میدان مرکزی شهر تجمع کردند. این ممکن است نشان دهد که چرا رهبران سیاسی ازبکستان از سوی اکرومیا احساس خطر کردند: این گروه نیازهای اجتماعی-اقتصادی در شهر را برآورده می‌کرد و بر کلت‌های دولت تأکید کرد. دولت که نتوانست این منبع رقیب اقتدار را از بین ببرد، در نهایت قاطعانه برای از بین بردن آن اقدام کرد.

اقتدار کارگزاران قدرت آسیای مرکزی، حتی کسانی که دارای نوعی منصب سیاسی هستند، ریشه در اعتماد شخصی و احساس تعهد دارد. اگر این شبکه‌های حمایتی ساختارهای دولتی نیستند، آن‌طور که تحلیل‌گران و محققان این اصطلاح را می‌فهمند، بخشی از جامعه مدنی نیز نیستند. این مدل آسیای مرکزی از اعمال قدرت بر جوامع، حوزه‌های خصوصی را ایجاد می‌کند که نفوذ را به حامی و منفعی را برای افراد وابسته به ارمان می‌آورد. این تریبات پدانه و جمعی هستند و با احساسات وفاداری شخصی بین حامی و مستریمان محدود می‌شوند. این یک جامعه مدنی است. شهروندان خودمختار در انجمن‌های داوطلبانه نیست. هیچ سازمان غیردولتی چنین الگویی را برای شکوفایی جمعی تصور نمی‌کند.